

روزان ایرجی، بازیگر:

در نقش پردازی این کاراکتر سعی کردم خیلی رها باشم

چطور شد که به عنوان بازیگر به این پروژه ملحق شدید؟ من به واسطه اینکه پیشتر در زمینه گرافیک با خانم بحرالعلوم همکاری داشتم و از آنجایی که ایشان می‌دانستند کار بازی هم انجام می‌دهم و در اصل ابتدا بازیگر بودم، ولی به خاطر کار حرفه‌ای طراحی پوستر دیده شدم، به این پروژه دعوت شدم و من هم پذیرفتم و نقش را بازی کردم.

نقش با اینکه کوتاه است، اما بسیاری از ویژگی‌های کاراکتر در همین چند دقیقه نشان داده می‌شود. پرداخت شما بر این کاراکتر چگونه بود؟

واقعیت این است که از همان زمانی که فیلمنامه به من داده شد، روی شخصیت پردازی و ویژگی‌های کاراکتر کار کردم تا تمام ویژگی‌های رفتاری او را کشف کنم. پیرو همین امر نیز کاراکتر را آنالیز و بر اساس آن اجرا کردم. در نهایت نیز با توجه به بازه زمانی

کوتاهی که این کاراکتر در فیلم دیده می‌شود سعی کردم خیلی رها باشم و هیچ چیز اضافه یا غلو شده‌ای به شخصیت وارد نکنم. او فردی راحت است و در برخورد با دیگران، به ویژه پدر خانواده، بسیار طبیعی و بدون تکلف دیالوگ می‌کند بنابراین سعی کردم خود واقعی‌اش را بازی کنم.

آیا این راحتی کاراکتر تمایل به رفتار خارج از عرف دارد یا صرفاً کاراکتری خوش‌مشرب است؟

به نظرم او فردی راحت و رهاست و رفتارهایش به گونه‌ای نیست که تحت تأثیر قوانین عرف قرار گیرد. این کاراکتر خیلی راحت و بی‌پرده مانند یک رفیق صمیمی صحبت می‌کند و همین راحتی و اثری مثبت او، جرات و اعتماد به نفس پدر قصه را افزایش می‌دهد تا بتواند سؤال مهم خود را مطرح کند. سوالی که تا آن لحظه حتی از نزدیکترین افراد زندگی‌اش نپرسیده است.

تجربه همکاری با رضا اخلاقی را چگونه بود؟

همکاری با آقای اخلاقی را بسیار لذت‌بخش بود. ایشان یک بازیگر حرفه‌ای و پارتنر بسیار خوبی در کار هستند. به جرات می‌توان گفت که از ایشان تماماً ویژگی‌های مثبت دیدم و تجربه همکاری من با ایشان هیچ نکته منفی نداشت و از آن لذت



فاطمه اباحمزه نویسنده:

ایده این فیلم در حمایت از کودکان بی سرپرست شکل گرفت

لطفاً در ابتدا از سوابق خود در امر فیلمنامه نویسی بفرمایید.

من کار نویسندگی خود را از نویسندگی در رادیو آغاز کردم و به مدت پانزده سال به عنوان نویسنده و گوینده رادیو فعالیت داشتم و پس از آن وارد حوزه فیلمنامه‌نویسی، به ویژه نویسندگی سریال برای شبکه‌های یک و دو شدم. در ادامه، تمرکز خود را بر فیلمنامه‌نویسی آثار کودک گذاشتم که از شبکه امید پخش می‌شد. فعالیت‌های مستقل من عمدتاً در زمینه فیلم‌های کوتاه بوده است؛ آثاری که برای فعالین در عرصه فیلم کوتاه و مستقل کار می‌کردند، نوشتن و این آثار نتایج بسیار موفقی داشته‌اند و جوایز بین‌المللی قابل توجهی کسب کرده‌اند. همچنین در این پروژه‌ها، بازیگرانی شاخص و مطرحی مانند آقای شهاب حسینی، خانم رویا نونهالی و خانم دادن مستوفی حضور داشته‌اند.

ایده اولیه این فیلمنامه بر چه اساس بود و دچار چه تحولاتی شد؟ فیلمنامه اولیه من بر پایه حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست و با استناد به مواد ۲۷ و ۲۸ قانون

چه چشم‌اندازی برای آینده این جریان متصورید و چه امیدی دارید؟

امیدوارم قبل از هر چیز، شرایط کشور از وضعیت بی‌ثبات و پر از اضطراب خارج شود. پس از آن، ان‌شاءالله یک نگاه آسیب‌شناسانه درست به این مسیر شکل بگیرد و بهای بیشتری به سینمایی داده شود که مشخصاً دغدغه و اولویت اول و دوم و سومش خود سینماست و سپس سایر مسائل. من همچنان جزو کسانی هستم که امیدوارند.

به نظر می‌آید که گاه حتی تعریف دقیقی از سینمای مستقل نیز وجود ندارد!

بله متأسفانه درباره سینمای مستقل تعابیر و تعاریف متفاوتی وجود دارد که بسیاری از آن‌ها چندان هم صحیح نیستند. عموماً تصور می‌شود سینمای مستقل یعنی فیلمی که با سرمایه شخصی ساخته شده باشد. درست است که این وجه وجود دارد، اما مهم‌تر از سرمایه شخصی، نگاه مستقل و اندیشه مستقلی است که در جریان ساخت آن فیلم وجود دارد. فیلمی را می‌توان مستقل نامید که همه ارکان اصلی آن، از ایده و تحقیق تا اجرا، با تفکری مستقل شکل گرفته باشد و سرمایه صرف شده نیز در جهت آگاهی بخشی و بهای دادن به همان تفکر مستقل هزینه شده باشد. سینمای مستقل، سینمایی است که برای خود سینما، روی پرده سینما شکل می‌گیرد.

سخن پایانی

سینما بدون مخاطب معنا ندارد. سینمای هنری-تجربی کاملاً وابسته به جریان حمایتی از سمت مخاطبان خاص خود، یعنی مخاطبان اندیشمند و علاقه‌مند به سینمای اندیشه‌محور است. از آن‌ها دعوت می‌کنم اگر به سینمای اروپایی، سینمایی خلوت، آرام و قصه‌محور علاقه دارند، و همین‌طور به آثار اجتماعی و معضلات اجتماعی توجه دارند، حتماً فیلم «تابستانی که برف آمد» را تا پیش از پایان تابستان در برنامه خود قرار دهند و تماشا کنند.

خانواده ایرانی با یک دختر نوجوان تازه به بلوغ رسیده، که در حال حفظ تعادل میان احساسات خود و غرور جوانی‌اش است، تا حدود زیادی در فیلم منعکس شده بود.

انتخاب طبقه اجتماعی و اقتصادی کاراکترهای فیلم بر چه اساس بود؟

هدف من این بود که طبقه‌ای را در نظر بگیرم که نه بسیار متمول و ثروتمند باشد و نه در پایین‌ترین سطح اجتماعی قرار داشته باشد، زیرا هر یک از این انتخاب‌ها می‌توانست بر روند تغییرات قصه تأثیر مستقیمی بگذارد. به نظر من، طبقه متوسط رو به بالا برای این خانواده مناسب بود؛ طبقه‌ای که هم می‌تواند رفتارهای سنتی داشته باشد و هم امکان برخورداری از ویژگی‌های مدرن را داشته باشد.

در تغییرات و بازنویسی فیلمنامه با چه چالشی مواجه بودید؟

در این زمینه چالش‌های بسیاری داشتیم و این چالش‌ها به حدی بود که مرا از سوژه قصه اولیه دور کرد، اما نهایتاً به یک سوژه و تعادل جدید رسیدیم. هرچند این تغییرات ممکن است رضایت خاطر نویسنده را کامل جلب نکنند، اما به دلیل شرایط اجتماعی، محیطی و سیستمی که در آن فعالیت می‌کند، ناگزیر به پذیرش آن است. به هر حال، این فرآیند رخ داد و اثر ساخته شد و به نظر من، این چالش‌های فیلمنامه در آن تصویر نهایی فیلم است که بیشتر نمود پیدا می‌کند.

سخن پایانی

هر نویسنده‌ای هنگامی که کاراکترهای قصه‌اش جان می‌گیرند، حال خوشایند و خاصی را تجربه می‌کند. من همیشه مانند یک مهاجر با دفتر و قلمی در دست از یک قصه به قصه‌ای دیگر می‌روم.

اساسی نوشته شد. در واقع، این مفاد قانونی خانواده‌هایی را مد نظر قرار می‌دهند که کودکی را به سرپرستی می‌گیرند و امکان دارد پدر با دختر تحت سرپرست ازدواج کند و مورد پذیرش قانون نیست. من با هدف حمایت از این موضوع و قانون، این فیلمنامه را نوشتم و نام اولیه فیلم نیز «اره ماهی» بود.

نگاه شما به کارکرد مرد و در واقع پدر چه بود؟ و آیا به نوعی تنهایی و عدم درک شدن مرد و پدر ایرانی در این فیلم به تصویر درآمده؟

در واقع، کاراکتر مرد قصه من، مردی است که از بروز احساسات و عواطف خود به شدت خودداری می‌کند؛ مردی کاملاً ایرانی که همچنان با پدر و مادرش در یک محله قدیمی زندگی می‌کند و هنوز مرزهای عشق، بخشش و روابط عاطفی را به درستی نمی‌شناسد و در تنهایی خود به سر می‌برد. بازی رضا اخلاقی را در این نقش، به نوبه خود قابل توجه بود و تا حدودی با تصویری که من از کاراکتر در ذهن داشتم، همخوانی داشت. با این حال، از آنجا که سوژه اولیه فیلم متفاوت بود، من تمایل داشتم در این روایت هم حس پدران و هم حس عشق به خوبی منتقل شود.

در شکل دهی به رابطه میان صدف و پدرش، امیر تا چه حد بر واقعگرایی تأکید داشتید؟

در ارتباط میان صدف و پدرش، ما تلاش کردیم واقع‌بینانه‌ترین حالت ممکن را که در خانواده‌های امروزی ایران وجود دارد، به تصویر بکشیم. نسل ما ممکن بود با والدین خود فاصله و حریم مشخصی را حفظ کند، اما نسل کنونی صمیمیت بیشتری با والدین خود دارد و ما نیز سعی کردیم این صمیمیت را در رابطه صدف و امیر نشان دهیم. هرچند که تغییرات باعث شد از واقع‌گرایی این رابطه کمی فاصله گرفته شود، اما در مجموع، واقعیت یک